



نگاهی به فیلم سینمایی «طلا» به کارگردانی پرویز شهبازی

چگونه بدلیجات بنجل را جای طلای ناب جا می‌زنند!

محمد رضا محقق

و بری‌ها، احساس تباهی از کار کردن برای بدلیگران؛ این‌ها دلایلی است که سه نفر را به هم وصل کرده تا یک کار و کاسبی راه بیندازند. اما هیچکدام از اینها مسئله فیلم نیست. نه کارگری کردن، نه رستوران زدن، نه حتی بیماری آن دخترک؛ اینها هیچکدام مسئله نیست، بلکه ظاهراً تنها بهانه و مسیری است برای آن تذکر آخر؛ طلا را بردار و فرار کن. مرز را رد کن و برو! اینجا نمنا!

«طلا» فیلم رها و بی‌مبانی است. بی‌مبانی نه صرفاً به عنوان یک رویکرد سینمایی بلکه به مناسبت یک انگاره اخلاقی - ضد اخلاقی.

طلا گرچه به جهت فیلمنامه و روند روایت، بعد از بیست دقیقه اول، مبدل به فیلمی چندپاره، از هم گسیخته و بی‌ارزش می‌شود به نحوی که گویی دیگر کارگردان و قصه‌ای پشت قضیه نیست و تنها بناست حرفه‌ای در دهان بعضی آدمها گذاشته شود و یک خط تنبه و تذکر تبلیغاتی تحویل مخاطبان! اما این تمام ماجرا نیست.

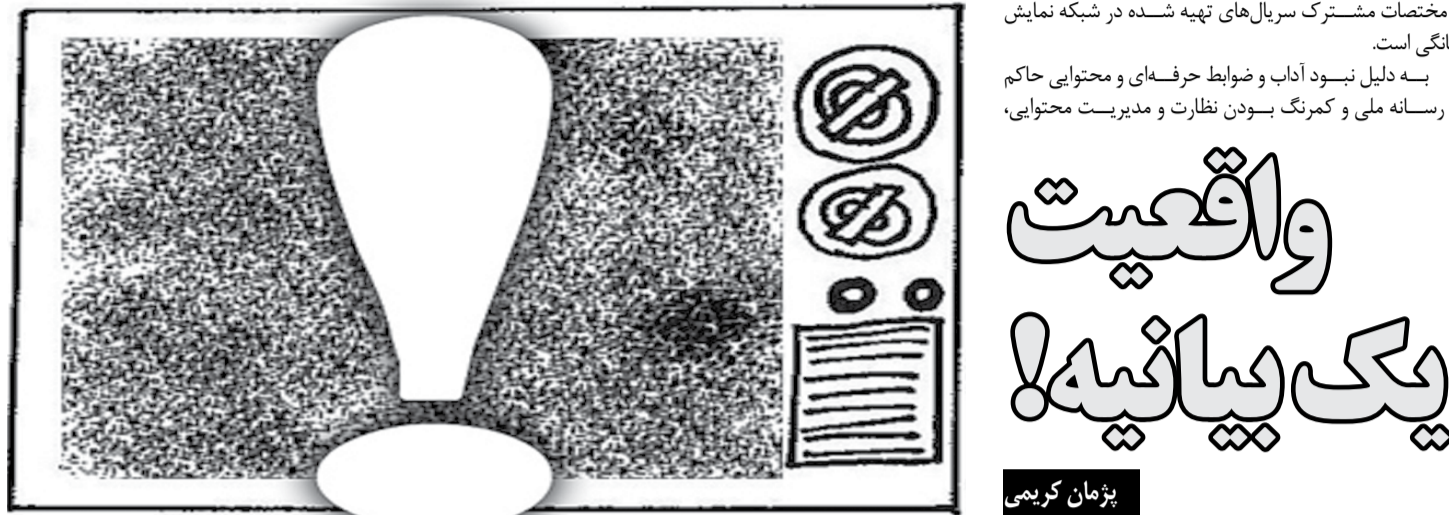
طلا کاملاً یک فیلم «غیر اخلاقی» است نه از منظر قشری‌گری و سطحیت مانوس با ذهن‌ها نسبت به این تعبیر، بلکه از عمق رویکرد فلسفی و نگاه هستی‌شناختی که انگاره‌های فیلم آبخورش در آنجاست.

بحث واقعیت به یک آدرس غلط دادن است. کدام واقعیت؟ کجای فیلم درباره واقعیت است؟ مگر داریم فیلم مستند می‌بینیم؟ نه! چه پس مطلقاً در انگاره‌ها و مانیفست‌ها و واگو‌به‌های فیلمساز غریب! پس لطفاً اینقدر واقعیت و واقعیت‌نگین! طلا به جهت سینمایی مثل دکمه‌ای است که فیلمساز می‌خواهد برایش یک کت بدوزد؛ بنابراین کل قضیه را رها کرده و دکمه را چسبیده؛ به همین دلیل هم کت، نهایتاً یک موجود شش و ول، کج و مأموج از آب درآمده. مگر توقع دیگری داشتید؟! خوابی داستان چیست؟ چند جوان قصد راه‌اندازی رستورانی را دارند. در این میان پدر یکی از آنها فوت کرده و مبلغ قابل توجهی پول نیز مفقود می‌شود. دقیق ترش بگوییم: داستان فردی میانسال به نام منصور (هومن سیدی) را بازگو می‌کند که قصد دارد با سایر دوست‌های خود یعنی رضا (مهرداد صدیقیان)، لیلیا (طنان طباطبایی) و رستورانی در نهایت دریا (گاج جواهریان)، رستورانی را تأسیس کنند تا از وضعیت مالی بدی که در آن هستند نجات پیدا کنند. البته البته! واقعیت آن طور که انتظارش را داریم پیش نمی‌رود و آنها برای تأمین پول مورد نیاز برای شروع کسب‌وکار خود به مشکل می‌خورند تا دانش‌آموز اصلی طلا آغاز شود. برای اهی پول درآردن، خسته از نگاه تحقیر آمیز دور



اینک علاوه بر لنگاری فرهنگی، دستمزدهای نجومی دلیلی برای گرایش پرشور برخی عوامل سریال‌ساز و به ویژه بازیگران به سریال‌های نمایش خانگی شده است.

به گفته‌ای، سرمایه‌دارانی که خواهان به‌کارگیری ستارگان و عوامل حرفه‌ای سینما با هر میزان دستمزد هستند؛ سقف توقع مالی عوامل را بالا بردانده به شکلی که تهیه‌کنندگان سینما و سینما، دیگر توانایی به‌کارگیری بسیاری از بهترین‌ها را ندارند. این



واقعیت یک بیانیه!

یعنی یکی از عوامل تهدیدکننده کیفیت آثار سینمایی یا سینمایی! خوب، با این توصیفات چرا باید سریال‌ساز در عرصه شبکه نمایش خانگی رها بشود و ملاً رسانه ملی اجازه دهد؛ رقیبی در کنارش سر بر بیاورد که به شکل قانون‌گریزانه و ضد ارزش‌های جامعه در بی جلب و جذب مخاطبان سینماست؟ هفته گذشته کانول فیلم نامه نویسان با انتشار بیانیه‌ای توقف صدور مجوز سریال‌سازی از سوی سازمان سینمایی را نکوهش کرد و اعطای مجوز از طرف صدا و سیما را انحصارطلبی توصیف نمود.

چرا اعطای مجوز از طرف رسانه ملی انحصار طلبی است؟

بیانیه‌نویسان کانول از چه چیزی می‌ترسند؟ چرا تصور می‌کنند وارد شدن صدا و سیما به موضوع اعطای مجوز انحصارطلبی وجود



وقتی می‌گوییم «طلا» یک فیلم غیر اخلاقی است یعنی حتی موضوع مهاجرت هم در آن نه به مثابه یک تبیین و تحلیل انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی، بلکه دستاویزی برای امتحان کردن یک بوق مفکوق تبلیغاتی است: طلا را بردار و فرار کن! همین!!

خب! بیایید به مردم ایران یک راه حل ارائه دهیم؛ آن هم یک راه حل روشنگرانه با زبان هنر سینما و نه یک آموزه جاه‌میدانی کف خیابانی؛ راه حل چیست؟ طلا را بردار و فرار کن! این تمام ماجرا نیست...

مخاطب اینجایی همه چیز را از قبل می‌داند و می‌فهمد و «در جریان است»، پس همه چیز را پیش‌پیش‌فهمد و بیکرد و لذت ببرد! این شیوه فیلمسازی دوستان ماست! آخرین متد فیلمسازی شان!

سوال: میزان مقاومت جوانهای فیلم برای ماندن و کار کردن و گذران زندگی چقدر است؟ به اندازه تغییر یک مغازه؟ بیماری که چچه؟ چون یک پدر؟ دعوی یک زوج؟ بیکاری یک برادر؟ خوب اگر بنا بر این باشد که تمام کشورهای کره خاکی الان باید خالی از سکنه باشد! اینسکه اصلاً موضوع اینها نیست و بحث اصلی چیز دیگری است: طلا را بردار و فرار کن!

مافی الضمیر بی‌اخلاقی وجود دارد. البته در این روسیون ایرانی، این بی‌اخلاقی به شکل بسیار نازل، می‌بازشد، دمده و دست‌مالی شده به عنوان کبی دست چندند نشخوار آنچه اروپا در قرن نوزده به بعد تجربه کرد و از سر گذراند، تازه به دل و دیده دوستان ما رسیده و آن هم به این شکل مبتذل و بی‌سروته و باسماهی تحویل مخاطب بخت برگشته سینمای ایران می‌شود! یچی تأسفا! حیف از کارگردان مستعد و کاربلدی مثل پرویز شهبازی بسا فیلم‌هایی مثل نفس عمیق و دربند و عیار ۱۴ که به این «طلا» کاری بدلیجاتی رسیده و اینچنین نامیمنام می‌کند!

رونده تازه‌ترین شماره «حلقه وصل»:

چرا آوینی تکثیر نشد؟

هشتادویکمین شماره ماهنامه حلقه وصل در شکل جدید و هفت پرونده ویژه با محوریت بیان شاخص‌های روابان فتح فرهنگی و بررسی وابستگی و استقلال مالی در تداوم فعالیت مجموعه‌های جنبه فرهنگی انقلاب، منتشر شد. در بخش «قدح» به سمت انتخاب برخی اخبار رفته است که ایده یا فکر تازه ارائه کرده‌اند و قابل الگوبری و اجرا در نقاط دیگر هستند.

در بخش «عمل» شاخص‌های روابان فتح فرهنگی را بررسی و از این گفته که «روایت شهید آوینی از دفاع مقدس چه شاخص‌هایی دارد که این چنین تأثیرگذار و ماندگار شده است؟»

در این شماره یک گزارش اختصاصی از نشریه پیام انقلاب از لحظات پیروزی عملیات «بیت‌المقدس» و گفت‌وگویی با فرمانده وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، منتشر شده است.

بخش «هلاهل» هم که قرار است در قالب طنز، نسیم جبهه را به مشام افراد تکرو و انتقادناپذیر برساند.

نیازمندی‌های کیهان

تلفن: ۰۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۰۵۳-۳۳۱۱۸۰۵۳
نیاز.mandiha@kayhan.ir

داتر نمایندگی کیهان همه روزه تلفنی آگهی میبذیرد

شهری ۵۵۹۰۰۸۹۶ - ۵۵۹۰۲۴۳۶
سعدی ۳۳۹۶۲۲۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱
شرق استان تهران ۳۲۵۸۰۷۴
اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۳
چهار دانگه ۵۶۳۵۸۵۹۸

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول شرکت تعاونی مسکن کارکنان دریاگان به شماره ثبت ۶۵۸۰۶

تاریخ تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵

موضوع: تعیین هیئت مدیره و تصویب اساسنامه جدید شرکت.

آگهی تغییرات شرکت سبک‌ساز پارسیان

سپاهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۰۵۱

و شناسه ملی ۱۰۱۳۹۶۱۴۷۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ ذیل اتخاذ شد: شرکت یک طبعیت البرز به شناسه ملی ۱۰۱۳۹۶۲۱۵۷۲ و شرکت کیمت و صنعت در فروش به شناسه ملی ۱۰۱۳۹۶۲۶۶۶۷ و شرکت کفش نوید پارس به شناسه ملی ۱۰۱۳۹۶۲۳۳۸۶ و بیوان اعضا هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

آگهی تغییرات شرکت سبک‌ساز پارسیان

سپاهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۰۵۱

و شناسه ملی ۱۰۱۳۹۶۱۴۷۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ ذیل اتخاذ شد: شرکت یک طبعیت البرز به شناسه ملی ۱۰۱۳۹۶۲۱۵۷۲ و شرکت کیمت و صنعت در فروش به شناسه ملی ۱۰۱۳۹۶۲۶۶۶۷ و شرکت کفش نوید پارس به شناسه ملی ۱۰۱۳۹۶۲۳۳۸۶ و بیوان اعضا هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.